

Unit 16 book 5

معتاد

یک معتاد فردی است که نمی تواند انجام یا خوردن چیزی را متوقف کند.
او معتاد قهوه بود. او هر روز بیش از سه فنجان قهوه مینوشید.

باستان شناسی

هنگامی که چیزی باستان شناسی است، به باستان شناسی مربوط می شود.
آنها شواهد باستان شناسی را یافتند که یک گونه باستانی انسان را ثابت کرد.

باستان شناسی

باستان شناسی مطالعه افراد باستانی از طریق مصنوعات خود است.
او باستان شناسی را مطالعه کرد تا بیشتر درباره فرهنگ مصر باستان کسب کند.

ایده پردازی

ایده پردازی این است که ایده های زیادی در مورد یک موضوع خاص داشته باشید.
دانش آموزان بعد از مدرسه هم دیگر را ملاقات کردند تا درباره ی پروژه ایده پردازی کنند.

بودجه

بودجه مقدار پولی در دسترس برای صرف چیزی است.
بودجه او برای غذا بسیار تنگ بود.

بی نظم

هنگامی که چیزی دارای هرج و مرج است، آن دیوانه کننده، گیج کننده ، و آشفته است.
اولین روز مدرسه می تواند برای یک دانش آموز جدید دارای هرج و مرج باشد.

ذکر کردن

ذکر کردن چیزی این است که آن را به عنوان یک مثال یا به عنوان اثبات چیزی بگوییم.
او شش دلیل را ذکر کرد که مدرسه نیاز به ساخت کلاس های جدید دارد.

مطابقت

مطابقت بودن به معنای مطابقت داشتن یا شبیه به چیزی بودن است.
داستان پسر با نسخه مادرش مطابقت نداشت.

حیات

یک حیات یک منطقه فضای باز است که توسط دیوارهای یک ساختمان احاطه شده است.
در طول تابستان، حیات یک مکان خوب برای ناهار است.

املاک

املاک یک منطقه بزرگ از زمین متعلق به یک خانواده یا سازمان است.
او بر روی املاک پدرش در حومه شهر زندگی می کرد.

تقلب

تقلب جرم به دست آوردن پول از طریق دروغ گفتن یا فریب دادن مردم است.
کارشناسان می گویند که تقلب کارت اعتباری در اطراف تعطیلات افزایش می یابد.

هیدروژن

هیدروژن یک گاز است که طعم، رنگ یا بو ندارد.
بادکنک پر شده از هیدروژن می تواند به راحتی می تواند شناور شود اگر شما مراقب نباشید.

تمامیت

یکپارچگی صداقت و اخلاق خوب است.
مدیر کل یکپارچگی زیادی داشت.

بافتن

گره زدن این است که پارچه را با اتصال رشته ها ترکیب کنید.
مادر بزرگ من یک ژاکت را برایم بافت.

چشم انداز

چشم انداز یک نظر شخصی یا شیوه ای برای تفکر در مورد چیزی است.
او چشم انداز خود را در مورد موش ها پس از خواندن کتاب در مورد آنها تغییر داد.

چتر نجات

چتر نجات یک دستگاه است که به مردم کمک می کند و چیزها به طور ایمن به زمین می افتد.
آنها از چتر نجات برای ارسال کمک به غیر نظامیان استفاده کردند که از هواپیما فرود آمد.

پیش از تاریخ

هنگامی که چیزی پیش از تاریخ است، از زمانی است که هیچ تاریخ نوشته شده وجود ندارد.
دانشمندان گلدان های پیش از تاریخ را که توسط مردم در منطقه مورد استفاده قرار می گرفتند، یافتند.

طرفدار

طرفدار یک فرد است که از یک ایده یا طرح پشتیبانی می کند.
او طرفدار استفاده از محصولات سازگار با محیط زیست بود.

پالودن

بهبتر کردن چیزی با ایجاد تغییرات در آن است.
مدیر کل روش خود را برای کنترل دانش آموزان در طول سال ها اصلاح کرد.

محدود کردن

محدود کردن چیزی جلوگیری از افزایش آن است.
باشگاه تعداد اعضا را محدود کرد.

تاریخچه چتر نجات

دانشمندان که باستان شناسی را مطالعه می کنند می گویند ممکن است شواهدی از چتر های پیش از تاریخ وجود داشته باشد. اما اولین تاریخ نوشته شده از این دستگاه از چین حدود 2,100 سال پیش می آید. دانشمندان یک کتاب باستانی را که چتر نجات را توصیف می کنند، ذکر می کنند. با این حال، هیچ شواهد باستان شناسی وجود ندارد که ثابت کند که چتر نجات واقعی تا به حال ساخته شده است. بعدها، مردم شمال آفریقا و ایتالیا نیز در مورد یک اختراع مشابهی ایده ای داشتند. در واقع، نقاشی لئوناردو داوینچی نزدیک به طراحی چتر نجات مدرن است!

در سال 1783، دانشمند فرانسوی اولین چتر نجات مدرن را اختراع کرد. سباستین با دانشمندان دیگر ایده پردازی کردند

تا راهی را بیابد که به مردم کمک کنند تا با خیال راحت از ساختمان های در حال سوختن بپروند. او فکر کرد که راه حل این است که به مردم وسیله ای بدهند تا سرعتشان را هنگام فرود به زمین محدود کنند. بسیاری از مردم فکر کردند که او قصد تقلب دارد، اما سباستین دارای یکپارچگی زیادی بود. بودجه او محدود بود، بنابراین او ابتدا تئوری خود را با استفاده از دو چتر آزمایش کرد. او از یک درخت پرید و متوجه شد که چتر ها کار می کنند.

بعد، او اختراع خود را اصلاح کرد. به جای استفاده از چتر، یک چتر نجات بزرگ را دوخت. در نهایت، او از یک ساختمان بلند در یک املاک فرانسوی پرید و در حیاط با خیال راحت فرود آمد.

کار سباستین به فرد دیگری یک ایده داد. ژان پیر بلانچارد چشم انداز متفاوتی نسبت به سباستین داشت. او معتاد بالون هوای گرم بود. او یکی از اولین افرادی بود که در یک بالون هوای گرم توسط گاز هیدروژن سوار شدند. او طرفدار استفاده از چتر نجات بود تا از بالن های هوای گرم خارج شود. از سال 1785 شروع به استفاده از سگ خود کرد تا نشان دهد که حیوانات می توانند با استفاده از چتر نجات با خیال راحت از بالن های هوای گرم فرود بیایند. سپس، در سال 1793، او با یک تجربه آشفته مواجه شد. بالون هوای گرم او که در آن سوار بود ترکیب و شروع به سقوط کرد. او مجبور شد از یک چتر نجات استفاده کند. و خیلی به تسکین او، زندگی خود را نجات داد!